

مهدی خانعلی‌زاده، کارشناس روابط بین‌الملل معتقد است مذاکره ایران با آمریکا در اولویت‌های سیاسی خارجی سال پیش‌رو قرار نمی‌گیرد. او برنامه‌ریزی برای تقویت قدرت منطقه‌ای ایران از مسیر مهار ترکیه و تقویت شبکهٔ مقاومت را راهبرد اصلی سیاست خارجی ایران در سال پیش رو دانست.

بی‌ایدگی؛

مشکل حل‌نشده سیاست خارجی ایران

مهدی خانعلی‌زاده یکی از مشکلات در فضای سیاسی ایران را گره زدن راه حل همه مشکلات را به سیاست خارجی دانست و گفت: «در کشور با یک معضل اساسی مواجهیم. به‌ویژه در شرایط کنونی، تحولات گسترده نظام بین‌الملل و ماهیت دوران گذار تصور می‌کنیم که به دلیل تعدد رویدادها، باید مشکلات خود را از طریق سیاست خارجی حل کنیم. درحالی‌که این مسئله اساساً ارتباطی به سیاست خارجی ندارد. در واقع، یک مدل نادرست از توصیف سیاست خارجی شکل گرفته است. مشکل دوم، بی‌ایدگی در حوزه سیاست خارجی است؛ یعنی اساساً نمی‌دانیم از سیاست خارجی چه می‌خواهیم و در روابط بین‌الملل باید چه مسیری را دنبال کنیم. با در نظر گرفتن این دو مسئله، آنچه به نظر من می‌رسد این است که در حوزه منطقه‌ای، اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۳ رخ داد و موجب از دست رفتن پیروزی‌هایی شد که در اختیار ایران بود، ناشی از ناپسانمانی در سیستم تصمیم‌گیری سیاست خارجی است.

جواد میرگلوی بیات: بازتعریف قدرت هسته‌ای، منطقه‌ای و نظامی اولویت اصلی سیاست خارجی در ۱۴۰۴

جواد میرگلوی بیات، کارشناس مسائل بین‌الملل، یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ایران در سال پیش‌رو را باز تعریف قدرت هسته‌ای، منطقه‌ای و نظامی دانست. او به این موضوع هم اشاره کرد که ایران امکان بازیگری بین شکاف قدرت‌های بزرگ را دارد.

اسنپ‌بک چالش

عمده سیاست خارجی ۱۴۰۴

بیات مسائل پیش روی جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی را به سه دسته تقسیم کرد و توضیح داد: «مسائل هسته‌ای، مذاکرات هسته‌ای، مسائل جهانی و مسائل منطقه‌ای. در این سال، قرارداد پرجام به پایان می‌رسد و مسئله اسنپ‌بک یکی از چالش‌های عمده جمهوری اسلامی در این زمینه خواهد بود. به نظر من، یکی از مسائل اصلی جمهوری اسلامی در تمامی سطوح سیاست‌ورزی، مسئله اسنپ‌بک و مذاکرات هسته‌ای است، که خود موضوعی مفصل محسوب می‌شود. اینکه تعامل ما با دولت تهران، با در نظر گرفتن بیانیه و دستورالعملی که ترامپ صادر کرده است، چگونه باید باشد؟ با توجه به رفتارهایی که ترامپ در پیش گرفته و فضای بین‌الملل را از چهارچوب کلاسیک خود خارج کرده و در واقع استعمارگری را به شکلی عریان اعمال می‌کند، جمهوری اسلامی باید چگونه عمل کند؟ این یکی از مسائل اصلی پیش روی جمهوری اسلامی است. در سطح مسائل جهانی، شاهدیم که جهان به سوی نظامی جدید در حال حرکت است. مسئله افول آمریکا، از رفتارهای امروز این کشور و سیاست‌های ترامپ قابل مشاهده است. دیگر مانند دوران پس از فروپاشی شوروی، که در دهه گذشته شاهد آن بودیم، آمریکا تنها قطب اصلی جهان نیست و می‌توان از نظمی چندقطبی سخن گفت. در این نظم جدید، آمریکا همچنان یکی از قطب‌های اصلی جهان است، در کنار آن، قدرت‌های دیگری نیز متولد شده‌اند و نفوذ خود را افزایش داده‌اند، مانند روسیه، چین و قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران. همچنین، در دیگر مناطق جهان، کشورهایی نظیر آفریقای جنوبی در آفریقا، برزیل در آمریکای لاتین، و ژاپن و کره جنوبی در شرق آسیا، به تقویت نظم چندقطبی کمک کرده‌اند. ما باید نسبت به این تغییرات جهانی حساس باشیم و تلاش کنیم تا روندهای بین‌المللی را در راستای بازتولید این قطب‌های قدرت هدایت کرده و همزمان از افول آمریکا در عرصه جهانی استقبال کنیم. با این حال، معتقدم آمریکا همچنان قدرت اصلی جهان است و نباید آن را نادیده بگیریم. نظم نوین جهانی، به احتمال زیاد، در دهه ۲۰۲۰ میلادی دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد و ما نباید از این تحولات عقب بمانیم.»

استراتژی ما باید بازگری

بین شکاف قدرت‌های بزرگ باشد

مسئله ما در سال پیش باید بازگری بین قدرت‌های بزرگ باشد، موضوعی که بیات در تعریف مسائل پیش روی جمهوری اسلامی به آن اشاره کرد و گفت: «ازجمله مسائل مهم پیش روی ما در سطح جهانی و در عرصه روابط بین‌الملل و رقابت قدرت‌های بزرگ، می‌توان به بحران اوکراین و نقش اروپا، شکاف میان اروپا و آمریکا، تنش میان چین و آمریکا، و نقش آفرینی روسیه اشاره کرد. همچنین احتمال نزدیکی بیشتر روسیه به دولت ترامپ نیز از دیگر مسائل مهم ما در سطح جهانی و بازی قدرت‌های بزرگ و مسائل روابط بین‌الملل است که باید روی آن حساس باشیم. ما باید ابتکارهایی مانند بریکس و سازمان شانگهای را در این چهارچوب تحلیل کنیم و استراتژی خود را بر مبنای بازیگری در میان شکاف‌های قدرت‌های بزرگ قرار دهیم. این سیاست باید به گونه‌ای باشد که از نزدیک شدن بیش از حد به یک قطب خاص بهریزیم. در عین حال، با ایستادگی در برابر قدرت‌هایی مانند آمریکا، دچار خسارت نشویم و بتوانیم به‌درستی عمل کنیم.»

مدیریت چالش‌ها با ترکیه و امارات؛ مسئله مهم منطقه‌ای ایران در ۱۴۰۴

بیات مهم‌ترین چالش در حوزه منطقه‌ای را توسعه‌طلبی اسرائیل و تلاش برای برهم زدن نظم موجود منطقه دانست

همین مسئله باعث شده شرایط منطقه‌ای برای ایران نامناسب شود.

مهار ترکیه و احیای شبکه مقاومت؛

راهبرد اولویت‌دار ایران در ۱۴۰۴

تمرکز بر تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران یکی از اولویت‌هایی است که مهدی خانعلی‌زاده به آن اشاره کرد و گفت: «اولویت سیاست خارجی ایران باید بر ارتقای مجدد جایگاه منطقه‌ای و تثبیت آن متمرکز باشد. این موضوع هم به سیاست همسایگی مربوط می‌شود، هم به احیا و تقویت شبکه مقاومت و هم به بازآزایی رقابت‌های منطقه‌ای. اگر پیش‌تر سه قدرت سنتی منطقه، یعنی ایران، عربستان و ترکیه، در رقابت منطقه‌ای قرار داشتند و تا قبل از سال ۱۴۰۳، عربستان دشمن ایران و ترکیه رقیب ایران محسوب می‌شد، اکنون این بازآزایی تغییر کرده است. ترکیه همچنان رقیب ایران است، اما نه یک رقیب دوستانه، بلکه یک رقیب تهاجمی. عربستان همچنان دشمن ایران است، اما دیگر یک دشمن تهاجمی نیست، بلکه یک دشمن متمایل به تعامل است. اگر این تغییرات را درست تحلیل و طراح‌ی کنیم، به نظر من اولویت نخست سیاست خارجی ایران در سال آینده باید مهار قدرت تهاجمی ترکیه باشد؛ چراکه این اقدامات، هم به راهبردهای منطقه‌ای ایران و شبکه مقاومت آسیب می‌زند و هم دستاوردهای سیاسی و نظامی ایران را در منطقه تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، تصویری که این تحولات از ایران به نمایش می‌گذارند، یک ایران ضعیف در سطح بین‌المللی خواهد بود. نمونه این وضعیت را پس از سقوط سوریه

مشاهده کردیم. پس از آغاز سقوط نظام سوریه، شاهد واکنش‌های شدیدی از سوی غرب علیه ایران بودیم. درحالی‌که تا پیش از آن، برای سال‌ها دیگر از غربی‌ها نمی‌شنیدیم که «همه‌گزینه‌ها روی میز است»، اما پس از تحولات سوریه بار دیگر این تهدیدات مطرح شد. این وضعیت نشان می‌دهد که مهار ترکیه و احیای شبکه مقاومت در غرب آسیا مهم‌ترین راهبرد ایران در سال آینده است.»

نحوهٔ مواجهه با فعال سازی مکانیسم ماشه؛ یکی از اولویت‌های سیاست خارجی

مهدی خانعلی‌زاده، مشکل اصلی سیاست خارجی در مورد موضوع مذاکره با غرب را بی‌ایدگی دانست و گفت: «در نیمه اول اردیبهشت سال آینده، گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را خواهیم داشت که احتمالاً علیه ایران خواهد بود. سپس، در خردادماه، جلسه شورای حکام برگزار می‌شود که به احتمال زیاد، پرونده ایران از شورای حکام به شورای امنیت ارجاع خواهد شد. این روند به‌صورت رسمی آغاز مکانیسم ماشه را کلید خواهد زد. من مذاکره را اولویت نمی‌دانم، زیرا اساساً هیچ ایده‌ای در این زمینه وجود ندارد. طرف غربی تصمیم خود را برای اعمال مکانیسم ماشه آماده کرده است، درحالی‌که ما نه واکنشی به این موضوع داریم و نه راهبرد مشخصی برای مواجهه با آن. حتی اگر کسی ایده‌ای داشته باشد که برویم و امتیازات مضاعف و غیر منطقی به طرف مقابل بدهیم تا مکانیسم ماشه فعال نشود، این حداقل یک ایده است که می‌توان

دیاکو حسینی: احتمال تقابل سخت، اسنپ‌بک

و مقابله با تحریم‌های جدید؛ چالش‌های اصلی ۱۴۰۴

دیاکو حسینی، کارشناس روابط بین‌الملل، احتمال تقابل سخت با آمریکا و اسرائیل، اسنپ‌بک و مدیریت اقتصادی با توجه به این تحولات را اصلی‌ترین چالش سیاست خارجی ایران تعریف و اشاره کرد که اولویت‌بندی‌ها نیز باید با توجه به این چالش‌ها تنظیم و برنامه‌ریزی شود.

جلوگیری از تقابل سخت؛

دیاکو حسینی ابتدا به مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی در سال پیش رو اشاره کرد و گفت: «حل و فصل اختلافات با آمریکا و موضوعی که در پرونده تحریم‌ها داریم، مهم است البته تصور می‌کنم، در سال پیش‌رو بیش از آنکه چالش گفت‌وگو و مذاکره مطرح باشد، چالش تقابل سخت مطرح است و فکر می‌کنم اولویت اول ما باید این باشد که از تقابل سخت اجتناب کنیم. مسئله دوم همچنان اقتصادی است و تا زمانی که اسنپ‌بک رخ دهد، مشکلات ناشی از اقتصاد ایران تشدید خواهد شد. بنابراین، ارائه راه‌حلی برای آنکه بتواند آمریکا و اروپا را از اسنپ‌بک منصرف کند، باید اولویت نیمه‌اول سال آینده باشد و اگر اسنپ‌بک رخ داد، چالش‌های اقتصادی متأثر از ایسن اتفاق، چالش بعدی در روابط خارجی ایران خواهد بود. فکر می‌کنم بخش بزرگی از چالش‌های سال آینده، متوجه این سه موضوع خواهد بود: رابطه با اسرائیل و آمریکا و احتمال تقابل سخت، در مورد اروپا، موضوع اسنپ‌بک و اداره اقتصادی ایران در روابط خارجی.» حسینی در مورد اولویت‌بندی‌های سیاست خارجی هم گفت: «اول، جلوگیری از تقابل سخت؛ دوم، جلوگیری از بازگشت اسنپ‌بک، اولویت دوم است و سوم، اتخاذ تدابیر اقتصادی برای مقابله با تحریم‌های جدید و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت هم چالش بعدی ما خواهد بود.»

روس‌ها در پروندهٔ ایران کار خارق‌العاده‌ای نخواهند کرد

حسینی معتقد است روس‌ها نمی‌توانند نقش آفرینی چندان پررنگی در نقش میانجی‌گری روابط ایران و آمریکا داشته باشند و گفت: «به نظر نمی‌رسد روس‌ها کار خارق‌العاده‌ای در این زمینه انجام دهند و

عبدالرضا فرجی‌راد: باید تاکتیک جدیدی

در سیاست خارجی ۱۴۰۴ اتخاذ کنیم

عبدالرضا فرجی‌راد مسئله اصلی را سیاست خارجی می‌داند و همه موضوعات در سیاست داخلی را به آن گره می‌زند و معتقد است باید فرایند دیپلماتیک را آزمایش کرد. او همچنین اشاره کرد که سیاست همسایگی در ایران شکست خورده است.

باید وارد یک فرایند دیپلماتیک آزمایشی شویم

فرجی‌راد به لزوم تعریف تاکتیک جدید سیاست خارجی ایران در سال پیش‌رو، اشاره کرد و گفت: «با توجه به شرایط موجود و احساسی که مردم دارند – که احساس خوبی نیست – باید تاکتیک جدیدی انتخاب کنیم که در نهایت منجر به ایجاد امید در جامعه شود. ما باید دقیق‌تر بررسی کنیم که هدف نهایی آمریکا از برخورد با ایران چیست. آیا دولت آمریکا در حال فشار حداکتری برای دستیابی به یک توافق کوچک‌تر است؟ آیا دستور اجرایی ترامپ که در گذشته صادر شده، اکنون به‌عنوان یک اهرم فشار مورد استفاده قرار می‌گیرد تا ایران را به عقب‌نشینی کند؟ آیا هدف آمریکا صرفاً ایجاد یک فضای تهدید است یا اینکه قصد دارد این فشارها را تا پایان ادامه دهد؟ ما هنوز پاسخ این سؤالات را نمی‌دانیم. پس باید وارد یک فرایند دیپلماتیک آزمایشی شویم. یک یا دو بار سیاست‌های آمریکا را تست کنیم و ببینیم آیا در نهایت به یک توافق کوچک‌تر (به تعبیر از مرگ به تب راضی شدن) قانع خواهد شد یا خیر. اگر متوجه شدیم آمریکا صرفاً به دنبال گرفتن امتیازاتی است و حاضر به عقب‌نشینی در برخی موارد است، آن‌گاه می‌توانیم وارد یک گفت‌وگوی اصلی شویم. اما اگر دیدیم آمریکا قصد دارد این فشارها را ادامه دهد، در آن صورت باید یک استراتژی دقیق داخلی تدوین کنیم تا کمترین آسیب را ببینیم.»

فرجی‌راد در مورد اولویت‌های سیاست خارجی در سال پیش‌رو گفت: «باید چند اقدام اساسی انجام دهیم. ۱. اجرای یک فرایند دیپلماتیک آزمایشی؛ یک فرایند دیپلماتیک آزمایشی انجام‌دهیم تا ببینیم طرف

فرهنگ‌یگان

در باره آن بحث کرد. اما حتی چنین ایده‌ای هم روی میز دستگاه دیپلماسی ما وجود ندارد. دستگاه دیپلماسی ایران دچار روزمرگی شده است. از این‌رو، وقتی هیچ ایده و راهبردی در خصوص مذاکره وجود ندارد، نباید انرژی کشور را صرف آن کرد. در عین حال، با توجه به گزارش آژانس در اردیبهشت، فعال شدن مکانیسم ماشه در خرداد و آغاز اجرایی آن در مهرماه، حواشی و موضوع هسته‌ای ایران مجدداً در کانون توجهات قرار خواهد گرفت. مکانیسم ماشه را در پیش داریم و به همین دلیل، اخبار مربوط به مسئله هسته‌ای افزایش خواهد یافت. اما آیا اصلاً می‌توان این فرایند را تغییر داد یا دگرگون کرد؟ با توجه به ساختار موجود، چنین امکانی وجود ندارد. بنابراین، نباید انرژی دستگاه دیپلماسی صرف این مسئله شد، بلکه باید این واقعت پذیرفته شود که مهرماه سال آینده، قطعنامه‌های تجمیعی شورای امنیت علیه ایران، که در قطعنامه پرجام یکپارچه شده بودند، مجدداً به‌صورت تک‌تک اعمال خواهند شد. ضمن پذیرش این واقعیت، نحوه تعامل با این اعمال مجدد در دستور کار و اولویت دستگاه دیپلماسی قرار گیرد نه تلاش برای تغییر آن از طریق گفت‌وگو و مذاکره در باره مسئله هسته‌ای. بنابراین اگر خواهیم به‌طور مشخص تعیین کنیم یکی از مهم‌ترین اولویت‌های ایران در حوزه دیپلماسی باید نحوه مواجهه با این رویدادی باشد که در مهرماه اتفاق خواهد افتاد. در غیر این صورت باید آن را یک امر قطعی در نظر بگیریم؛ چراکه احتمال کنار گذاشتن آن اگر نگویم صفر، تقریباً نزدیک به صفر است.»

انگیزه بالایی برای چنین اقدامی داشته باشند. احتمالاً روابط آمریکا و روسیه در این دوره بهبود خواهد یافت. با پایان جنگ به معنای برقراری صلح و با استقرار آتش‌بس، اما احتمالاً تحریم‌های روسیه همچنان باقی خواهند ماند. همچنین روس‌ها چندان علاقه‌ای ندارند که مسئله ایران در این دوره به‌طور کامل حل‌وفصل شود؛ چراکه

انرژی ایران و بازارهای جهانی همچنان تحت تأثیر تحریم‌های اقتصادی قرار دارند. از این رو، روسیه بازیگری مهم در تشریح آمریکا به جلوگیری از تنش‌ها خواهد بود، اما برای حل اساسی مسائل ایران، تأثیرگذاری محدودی خواهد داشت. به گمان من، روس‌ها همچنان با کارت ایران در اداره محیط ژئوپلیتیکی‌شان کار خواهند کرد، ممکن است بخشی از حوزه اطلاعاتی و امنیتی با آن‌ها همکاری کنند، اما همکاری آن‌ها چه در بعد اقتصادی چه در بعد کلیت اختلافات ایران و آمریکا، مؤثر خواهد بود.»

رابطه با همسایگان هم تحت تأثیر چالش‌های ایران و غرب قرار می‌گیرد

حسینی روابط ایران با کشورهای همسایه را نیز در نسبت با حل چالش‌ها با اروپا و آمریکا تعریف کرد و گفت: «مسئله اصلی ایران همچنان روابط ایران با غرب و احتمال تقابل سخت است. تا زمانی که این موضوع وجود دارد، مسایر مسائل در سایه این روابط محور می‌گیرند. سیاست‌های ایران با سایر کشورها نیز بر همین محور تنظیم خواهد شد. اگر ایران به لحاظ اقتصادی، نظامی و امنیتی ضعیف شود البته متأثر از احتمال تقابل سخت محدود به کشور، کشورهایی مانند ترکیه و جمهوری آذربایجان، ممکن است در قبال ایران جسورتر شوند. از سوی دیگر، کشورهای عربستان سعودی و امارات و قطر که کشورهای آسیب‌پذیر خلیج فارس و از شرکای آمریکا و میزبان نیروهای آمریکایی هستند، احتمالاً رویه محتاط‌تری در این زمینه پیش خواهند گرفت اما در این سطح که با ایران وارد تنش نشوند باقی می‌مانند و امکان همکاری جدی‌تر با این کشورها وجود نخواهد داشت. در مجموع رابطه با همسایه‌ها تحت تأثیر رابطه ایران و آمریکا، احتمال تقابل سخت و تشدید تحریم علیه ایران قرار خواهد داشت. این شرایط باعث می‌شود که این کشورها در قبال ایران محتاط‌تر و جسورتر عمل کنند.»